

نمونه رای سلب حضانت از مادر

رای دادگاه در خصوص دادخواست آقای فرزند بطرفیت خانم فرزند دایر بر صدور حکم سلب حضانت خوانده نسبت به نوههای خواهان به نامهای «.....» متولد ۲۷/۰۱/۱۳۹۳ و ۲- «.....» متولد ۱۹/۰۹/۱۳۹۴ و صدور حکم حضانت به خواهان که قسمت اخیر خواسته توسط خواهان در جلسه اول دادرسی مورخه ۲۲/۰۱/۱۴۰۰ به واگذاری حضانت نوههای پسری تغییر یافته است. به این شرح که خواهان پدر بزرگ پدری اطفال یاد شده میباشد و خوانده که عروس خواهان بوده از پسر خواهان آقای طالق گرفته است و با وجود واگذاری حضانت به ایشان، از انجام تکالیف قانونی خود امتناع مینماید و کودکان را به امان خدا رها ساخته است و به جهت عدم توجه خوانده به تکلیف شرعی و قانونی و متواری بودن پدر اطفال، خواهان از زمان طالق، نگهداری نوههایش را بر عهده گرفته است. کودکان یاد شده نیز در جلسه دادرسی حاضر شده و ضمن تایید اظهارات پدر بزرگ خود بر عدم مسئولیتپذیری ابویین خود و نگهداری خود توسط پدر بزرگشان، تمایل خود مبنی بر ادامه زندگی نزد خواهان را بیان نمودند. خوانده بهرغم ابالغ قانونی اخطاریه‌اش، از طریق سامانه الکترونیکی ثنا، در جلسه دادرسی این دادگاه حاضر نشده و ایراد و دفاعی از سوی به عمل نیامده است؛ با عنایت به 1- اظهارات خواهان و عدم دفاع خوانده، 2- اظهارات فرزندان مشترک که صریحا عاقله خود به پدر بزرگشان را ابراز داشته‌اند. 3- بیتوجهی ابویین اطفال به تکالیف قانونی خود در حضانت و نگهداری فرزندان مشترک، 4- اینکه در قانون حمایت خانواده مصوب، ۰۱/۱۲/۱۳۹۱ در مواد متعدد از جمله مواد ۴۱ و ۴۲ این قانون، در کنار «حضانت» از عبارت «نگهداری» نیز استعمال شده است که با عنایت به قبیح بودن استعمال عبارات مترادف در قوانین موضوعه و با فرض حکمت مقنن، این عبارت دارای مفهوم علیحده میباشد و منصرف از حضانت میباشد که به نظر میرسد نگهداری مربوط به مواردی است که یا شخصی غیر از ابویین متقاضی نگهداری طفل باشد زیرا وفق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، حضانت حق و تکلیف ابویین است و رفا و عقال کودک یا نوجوان محسوب میشود و با نوجوان و یا کودکی که به سن قانونی و شرعی بلوغ رسیده است ولی ع یه اسناد بینالمللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۳ نوامبر نیاز به نگهداری ابویین یا ثالث دارد زیرا در کل اوال که طبق ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مزبور، در مورخه

۰۱/۱۲/۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و به استناد ماده ۹ قانون مدنی، در حکم قوانین داخلی است، اشخاص کمتر از ۱۸ سال کودک محسوب میشوند و طبق ماده ۳ کنوانسیون مزبور، در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاهها، مقامات اجرایی، یا ارگانهای حقوقی انجام میشود، منافع کودک از اهم ملاحظات میباشد و اینکه طبق ماده ۱۸ کنوانسیون یاد شده، اساسیترین مسئله، حفظ منافع عالیه کودک است. ثانیاً طبق صراحت ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۰۱/۱۲/۱۳۹۱، رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاهها و مقامات اجرایی الزامی است که از این ماده قانونی عالوه بر لزوم توجه به رعایت غبطه و مصلحت این اشخاص که حتی بر توافقات طرفین نیز ارجحیت دارد، قید اشخاص بالغ کمتر از کلمه نوجوان که عرفاً ۱۸ سال را شامل میشود، این امر نیز استنباط میشود که نظر مقنن تعیین تکلیف در خصوص وضعیت نوجوانان نیز میباشد و دادگاه خانواده نمیتواند در خصوص نگهداری کودکانی که والدین ایشان، از انجام تکالیف قانونی خود سر باز میزنند، بیتوجه باشد بهویژه اینکه در ثبتنام مدارس، اخذ دفترچه بیمه، حق مطالبه نفقه و سایر امور اداری و قضایی نیاز به حکم حضانت از مالک ماده ۹ قانون و یا نگهداری وجود دارد تا عهدهدار امور جسمی و روانی این قبیل اشخاص مشخص باشد. ثالثاً حمایت از کودکان و نوجوانان بیسرپرست و بد سرپرست مصوب ۳۱/۰۶/۱۳۹۲، که افراد بالغ زیر شانزده سال را کودک و نوجوان تلقی نموده و سرپرستی آنان را شایسته واگذاری به اشخاص ذیصلاح دانسته است، میتوان به اراده مقنن برای تعیین تکلیف وضعیت سرپرستی و نگهداری اطفال و نوجوانان پی برد که امری علیحده از حضانت، والیت قهری و قیمومیت میباشد. 5- با عنایت به اینکه خواننده هیچگونه دلیل و مدرکی که دال بر سلب حضانت و نگهداری خواهان تلقی شود، به دادگاه ارائه ننمودهاند و 6- اینکه مقنن در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی مصوب اصلحی ۱۱/۸/۱۳۷۶ با آوردن عبارت «از مصادیق» اراده خود مبنی بر تمثیلی بودن موارد ۵ گانه ذکر شده در خصوص عدم مواظبت و یا انحطاط اخالقی را بیان نموده و این موارد حصری نمیباشد و بیتوجهی زوج به نیازهای روحی و روانی و عاطفی کودکان نیز در شرایط فعلی میتواند از مصادیق عدم مواظبت طفل تلقی گردد، فلذا، با وصف و استدلالهای ذکر شده، ضمن مخالفت با عقیده مشورتی قاضی ارجمند مشاوران دادگاه خانواده در خصوص عدم پذیرش خواسته خواهان، دعوی خواهان به نظر دادگاه وارد تشخیص داده میشود، بنابراین، به استناد مواد یاد شده و نیز مواد ۱، ۴ و ۲۹ حمایت خانواده مصوب ۰۱/۱۲/۱۳۹۱ و مواد ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۲۱/۰۱/۱۳۷۹، حکم بر سلب حضانت خواننده (مادر اطفال) نسبت به اطفال صدر الذکر واگذاری

نگهداری کودکان مزبور به خواهان (پدر بزرگ پدری اطفال) تا سن قانون رشد و یا اتخاذ تصمیم قضایی دیگر، صادر و اعالم میگردد. رای صادره غیابی و طرف بیست روز از تاریخ ابالغ قابل و خواهی از سوی خوانده در این دادگاه بوده و سپس طرف بیست روز از تاریخ انقضای مهلت و خواهی، قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم ارجمند تجدیدنظر استان آذربایجان غربی میباشد. میرحیدر میر تقی زاده رئیس شعبه سوم دادگاه خانواده خوی